

فهرست مطالب

بخش اول: حرفه وکالت و مسئولیت‌های ناشی از آن	۱۷
فصل اول: مصونیت وکیل دادگستری و لزوم رعایت احترام	۱۸
فصل دوم: نظارت بر عمل کرد وکلای دادگستری	۲۷
مبحث اول: نظارت از سوی رییس قوه قضائیه	۲۸
مبحث دوم: نظارت از سوی کانون وکلای دادگستری	۳۲
گفتار اول) نظارت بر اعطاء پروانه وکالت و سلب امتیاز	۳۳
گفتار دوم) نظارت انتظامی برای حفظ شأن و اعتبار شغل	۳۳
مبحث سوم: نظارت از سوی روسای محاکم و دادستان	۳۵
مبحث چهارم: نظارت از سوی مدیران دفاتر دادگاه‌ها	۳۷
مبحث پنجم: نظارت از سوی سایر اشخاص	۳۷
گفتار اول) از سوی موکلین	۳۸
گفتار دوم) از سوی غیر موکلین	۳۸
بخش دوم: تخلفات انتظامی وکیل دادگستری در قبال موکل	۳۹
فصل اول: تحصیل وکالت به صورت فریبنده	۴۱
مبحث اول: تبلیغ در رسانه‌ها و مطبوعات	۴۲
مبحث دوم: تحصیل وکالت توسط کارچاق‌کن‌ها	۴۵
مبحث سوم: چاپ عکس و به کارگیری	۴۵
عناوین و القاب غیرواقع در کارت ویزیت و سربرگ‌ها	۴۵
مبحث چهارم: تحصیل وکالت با وعده‌های دروغین	۴۸
مبحث پنجم: تعهد به اخذ نتیجه	۵۴
مبحث ششم: رویه قضایی انتظامی	۵۷
فصل دوم: عدم ارائه رسید در قبال وجه یا اسناد دریافتی از موکل	۷۵

مبحث اول: مبانی و مفاهیم تخلف.....	۷۵
مبحث دوم: رویه قضایی انتظامی.....	۸۱
فصل سوم: انتقال قرارداد وکالت به دیگری.....	۱۵۳
فصل چهارم: قبول وکالت به طور مصلحت.....	۱۵۷
فصل پنجم: شرکت در مدعی به.....	۱۶۱
مبحث اول: مبانی و مفاهیم تخلف.....	۱۶۱
مبحث دوم: رویه قضایی.....	۱۶۶
فصل ششم: دریافت حق الوکاله اضافی.....	۱۷۳
مبحث اول: لزوم قید رقم حق الوکاله در وکالت نامه.....	۱۷۷
مبحث دوم: تعیین میزان حق الوکاله با وجود صلح و سازش بین طرفین.....	۱۸۲
مبحث سوم: تعیین میزان حق الوکاله در صورت اختلاف.....	۱۸۳
مبحث چهارم: تعیین حق الوکاله در پرونده‌های کیفری.....	۱۸۴
مبحث پنجم: ضمانت اجرای کسری تمبر مالیاتی.....	۱۸۶
مبحث ششم: واگذاری تعقیب دعوا به وکیل دیگر.....	۱۸۹
مبحث هفتم: تعیین حق الوکاله به کمتر از تعرفه.....	۱۹۱
مبحث هشتم: تفاوت میزان.....	۱۹۳
حق الوکاله در وکالت نامه و قرارداد مالی.....	۱۹۳
مبحث نهم: حق الوکاله نمایندگان حقوقی.....	۱۹۶
وزارت خانه‌ها و سازمان‌های دولتی و بانک‌ها.....	۱۹۶
گفتار اول - ابطال تمبر و پرداخت سهم صندوق تعاون.....	۱۹۷
گفتار دوم - محکومیت محکوم علیه به پرداخت حق الوکاله نمایندگان قضایی.....	۱۹۸
گفتار سوم - معرفی وکیل دادگستری به عنوان نماینده قضایی.....	۲۰۱
مبحث دهم: میزان حق المشاوره و تنظیم لوایح و دادخواست‌ها.....	۲۰۲
مبحث یازدهم: اعسار موکل از.....	۲۰۳
هزینه‌ی دادرسی و تاثیر آن در حق الوکاله.....	۲۰۳
مبحث دوازدهم: حق الوکاله وکیل.....	۲۰۴
در صورت عدم تجدیدنظر خواهی محکوم علیه.....	۲۰۴
مبحث سیزدهم: میزان حق الوکاله در صورت تعدد وکلاء.....	۲۰۵
مبحث چهاردهم: اثر ابطال دادخواست در میزان حق الوکاله.....	۲۰۶

۲۰۷	مبحث پانزدهم: نحوه پرداخت حق الوکاله وکیل توکیلی
۲۰۸	مبحث شانزدهم: رویه قضایی
۲۱۳	فصل هفتم: اطلاع ندادن استعفا به موکل
۲۱۳	مبحث اول: مبانی و مفاهیم تخلف
۲۱۵	مبحث دوم: رویه قضایی
۲۳۱	فصل هشتم: اطلاع ندادن به موکل جهت پرداخت مخارج و یا انجام امری
۲۳۲	مبحث اول: عدم اطلاع به موکل جهت پرداخت هزینه‌ها
۲۴۲	مبحث دوم: عدم اطلاع به موکل
۲۴۲	جهت اقدامی که از طرف وی لازم است
۲۴۳	مبحث سوم: رویه قضایی
۲۴۵	فصل نهم: قبول وکالت با وجود معاذیر
۲۴۶	مبحث اول: قبول وکالت با وجود اظهارنظر قضایی در آن امر
۲۴۶	گفتار اول - اظهار کننده قاضی دادگستری باشد
۲۴۷	گفتار دوم - عدم وجود محدودیت زمانی
۲۴۷	گفتار سوم - منظور از اظهارنظر کتبی
۲۴۹	مبحث دوم: قبول وکالت با اظهار عقیده کتبی به عنوان داور
۲۴۹	گفتار اول - ضرورت اظهارنظر در مقام داوری
۲۵۰	گفتار دوم - اظهارنظر بر مبنای قانون و با رعایت مقررات آن باشد
۲۵۰	گفتار سوم - تفاوتی بین اظهارنظر داور مرضی الطرفین با یک طرفه نیست
۲۵۱	گفتار چهارم - رویه قضایی
۲۶۰	مبحث سوم: قبول وکالت تسخیری با وجود جهات رد
۲۶۲	مبحث چهارم: وکالت با وجود ممنوعیت شغلی
۲۶۳	مبحث پنجم: وکالت با وجود گواهی سابق
۲۶۳	گفتار اول - وکالت تسخیری
۲۶۳	گفتار دوم - وکالت تعیینی و معاضدتی
۲۶۳	مبحث ششم: وکالت با سابقه کارشناسی
۲۶۴	مبحث هفتم: قبول وکالت با وجود تعلیق
۲۶۴	مبحث هشتم: قبول وکالت بالاتر از درجه
۲۶۵	گفتار اول - قبول وکالت از سوی کارآموزان در جرایم مواد مخدر

گفتار دوم- قبول وکالت از سوی کارآموزان در جرایمی که مرجع تجدیدنظر آن دیوان	
عالی کشور است	۲۶۶
گفتار سوم- قبول وکالت از سوی کارآموزان در دعاوی مالی	۲۷۰
گفتار چهارم- رویه قضایی	۲۷۲
فصل دهم: قبول وکالت علیه مؤسسه‌ای که قبلاً مشاور یا وکیل آن بوده است	۲۸۱
مبحث اول: کلی نبودن معذوریت	۲۸۳
مبحث دوم: مقید به زمان نبودن معذوریت	۲۸۵
فصل یازدهم: افشاء اسرار موکل	۲۸۷
فصل دوازدهم: قبول وکالت طرف مقابل پس از استعفا یا عزل از وکالت	۲۹۱
مبحث اول: لزوم وحدت موضوع دعوا و طرفین آن	۲۹۲
مبحث دوم: لزوم رعایت زمان	۲۹۶
مبحث سوم: وکالت وکیل سرپرست	۲۹۷
و کارآموز به طرفیت موکلین هم‌دیگر	۲۹۷
مبحث چهارم: لزوم انجام امر وکالت	۲۹۹
مبحث پنجم: وکالت از چند متهم	۳۰۰
فصل سیزدهم: خیانت وکیل نسبت به موکل	۳۰۱
فصل چهاردهم: تقدیم عرض حال ناقص	۳۰۹
فصل پانزدهم: عدم تحویل یک نسخه از قرارداد به موکل	۳۱۳
مبحث اول: مبانی و مفاهیم	۳۱۳
مبحث دوم: رویه قضایی	۳۱۴
فصل شانزدهم: سوءاستفاده از ضعف موکل	۳۱۷
بخش سوم: تخلفات انتظامی وکیل دادگستری در قبال محاکم دادگستری	۳۱۹
فصل اول: عدم حضور به موقع در دادگاه	۳۲۱
مبحث اول: معاذیر موجه عدم حضور	۳۲۵
مبحث دوم: تعدد جلسات رسیدگی	۳۳۰
گفتار اول- وجود اختیار وکالت در توکیل	۳۳۰
گفتار دوم- عدم وجود اختیار وکالت در توکیل	۳۳۲
مبحث سوم: ارائه لایحه به جای حضور	۳۳۷

۳۳۸	مبحث چهارم: تعدد و کلاء و حضور در جلسات
۳۳۸	گفتار اول - اقدام به نحو مشترکاً و منفرداً
۳۳۹	گفتار دوم - اقدام به نحو مشترکاً
۳۳۹	مبحث پنجم: ضمانت اجرای تخلف عدم حضور در دادرسی
۳۴۲	مبحث ششم: رویه قضایی
۴۰۷	فصل دوم: تطویل دادرسی با توسل به خدعه
۴۰۸	مبحث اول: ضمانت اجرای تخلف
۴۰۸	مبحث دوم: مصادیق تخلف
۴۰۹	گفتار اول - تقدیم دادخواست اعسار از هزینه‌ی دادرسی با علم به ملائت موکل
۴۰۹	گفتار دوم - استعفاء بی‌مورد
۴۱۰	گفتار سوم - ادعای جعل با تعیین جاعل با سوء نیت
۴۱۱	گفتار چهارم - ایراد بی‌مورد بر رد دادرسی و یا داور و کارشناس
۴۱۱	گفتار پنجم - تقدیم و تنظیم عرض حال و نسخات ضمایم دادخواست به نحو ناقص
۴۱۵	فصل سوم: عدم رعایت نزاکت
۴۲۳	فصل چهارم: عدم قبول اوراق قضایی
۴۲۵	فصل پنجم: اطلاع ندادن استعفاء به دادگاه
۴۲۷	فصل ششم: قبول وکالت با وجود معاذیر
۴۲۹	فصل هفتم: توسل به معاذیر غیر واقع
۴۳۱	فصل هشتم: اخلال در نظم دادگاه
۴۳۵	بخش چهارم: تخلفات انتظامی وکیل دادگستری در قبال کانون وکلای دادگستری
۴۳۷	فصل اول: معرفی خود به درجه‌ای بالاتر از پروانه
۴۴۱	فصل دوم: تخلف از سوگند
۴۴۲	مبحث اول: متن سوگندنامه
۴۴۲	مبحث دوم: ضمانت اجرای تخلف
۴۴۵	مبحث سوم: انصراف این تخلف از کارآموزان وکالت
۴۴۶	مبحث چهارم: مصادیق تخلف از سوگند
۴۴۶	گفتار اول - ارتکاب جرم
۴۵۳	گفتار دوم - عدم اقدام وکالتی با انعقاد قرارداد وکالت و اخذ حق الوکاله

گفتار سوم- عدم ایصال وجوه دریافتی به موکل.....	۴۶۳
گفتار چهارم- تعهد به نتیجه.....	۴۶۸
گفتار پنجم- عدم رعایت صداقت و کتمان واقعیت.....	۴۶۹
گفتار ششم- سهل انگاری در انجام وظیفه.....	۴۸۴
گفتار هفتم- تخلف از مقررات قانونی.....	۴۹۱
گفتار هشتم- اقدام یا اظهار برخلاف شرافت قضاوت و وکالت.....	۴۹۱
مبحث پنجم: رویه قضایی.....	۴۹۷
فصل سوم: تأسیس دفتر در غیر محل مجاز.....	۸۱۱
مبحث اول: مبانی و مفاهیم.....	۸۱۱
مبحث دوم: رویه قضایی.....	۸۱۷
فصل چهارم: تمرکز فعالیت در غیر محل مجاز.....	۸۶۵
مبحث اول: کثرت پرونده‌های وکالتی در یک محل.....	۸۶۷
مبحث دوم: ابطال اکثر تمیرهای مالیاتی در یک محل.....	۸۷۱
مبحث سوم: تمرکز کاری از طریق تأسیس دفتر.....	۸۷۲
مبحث چهارم: رویه قضایی.....	۸۷۵
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۱۲۱
قوانین و آیین‌نامه‌ها.....	۱۱۲۱
کتاب.....	۱۱۲۲
مجلات و نشریات.....	۱۱۲۴
مقالات.....	۱۱۲۵

بسم الله النور

مقدمه

امروزه نقش وکیل دادگستری در تحقق امنیت قضایی، امری است که همه نظام‌ها و سیستم‌های حقوقی بر آن صحنه گذاشته‌اند به طوری که می‌توان گفت بی‌تردید یکی از مبانی و پایه‌های فکری عدالت کیفری حضور شایسته وکیل در دادرسی‌ها است. حفظ حقوق متهم، کمک به برقراری یک دادرسی عادلانه بر مبنای موازین حقوقی و نقشی که وکلاء در ارتقاء رشد حقوقی یک جامعه دارند از پیامدهای مورد توجه، درخور و شایسته به نهاد وکالت و تأثیر آن در برقراری عدالت است.

حق دفاع از جمله حقوق فطری است که بشر از دیرباز آن را شناخته و اجرای کامل عدالت را در هر خصمه‌ای در گرو امکان استفاده طرفین دعوا از امکانات دفاعی برابر، می‌دانسته و وکالت ابزاری بوده در جهت تحقق این هدف و تأمین یک دادرسی عادلانه که نهایتاً به ارضاء میل عدالت خواهی بشر منجر گردیده است.

وکالت دادگستری موجودیتی غیرقابل انکار در جامعه امروز است. جهان امروز این واقعیت را پذیرفته است که دیگر نمی‌توان به لزوم وکیل در یک جامعه مدنی تردید کرد. تاریخ تمدن و سرنوشت تکامل اقوام و ملل نشان می‌دهد که مساعدت حقوقی به مردم و راهنمایی آنان در این زمینه در مواردی که اختلافات مالی یا خانوادگی پیدا می‌نمودند و هم‌چنین دفاع از آن‌ها در مواردی که به نقض آداب و رسوم یا ارتکاب جرمی علیه اجتماع یا اشخاص متهم گردیده و تحت تعقیب قرار می‌گرفتند هم‌زمان با داور و قضا پا به عرصه وجود گذاشته است. این امر را برای اشخاص و به نام آن‌هایی که توانایی لازم را در این خصوص نداشتند کسانی انجام می‌دادند که از سنن و عرف‌ها، قوانین و احکام آگاهی لازم داشته‌اند.^۱

۱. کاتبی، حسینقلی، وکالت در دنیای قدیم، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، سال نوزدهم (۱۳۴۶)، شماره ۱۰۵، صص ۲۰۹-۱۱۴.

زیبنده‌ترین لفظی که می‌توان برای کار وکالت برگزید واژه هنر است؛ چون در یک بررسی دقیق این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که وکالت از کلیه مشاغل دیگر جداست و حالت و وضع خاصی دارد که با هنر سازگارتر از دیگر نمودهای زندگی انسان است. تمام روابط حقوقی مردم را طی فرمول‌ها و مواد قانونی نمی‌توان پیش‌بینی نمود، هر موردی هم که متن قانونی وجود داشته باشد به خودی خود حل اختلاف نمی‌نماید؛ بل که احتیاج به نظر یک نفر قاضی دارد و اوست که باید قانون را با حقیقت وفق دهد و هر جا یک قاضی باشد، وجود دو وکیل ضروری است.

قوانین عالم وجود وکیل را در دادگاه‌ها پذیرفته و حتی اساسی تشخیص داده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز وجود وکیل را به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حقوق افراد با صراحت شناخته است. بدین ترتیب وکیل حق دارد در دادگاه حاضر شده از حقوق موکل خود دفاع کند مقدمات این دفاع چون تقدیم دادخواست‌های حقوقی و یا شکوائیه‌های جزایی و درخواست‌های مختلف به عنوان اذن در لوازم وکالت نیز مورد شناخت قرار گرفته و بداهت امر محلی برای شبیه ایجاد نمی‌کند.

پس از تصویب قانون تشکیلات عدلیه در مورخ ۲۷ تیرماه ۱۳۰۷ به جز وکلای مجاز، هیچ‌کس نمی‌تواند در جلسات محاکم عدلیه به سمت وکالت مداخله نماید مگر به طور اتفاقی (سالی در سه دعوا) که این قانون طی بخش‌نامه‌ای به عموم محاکم مرکز از سوی وزارت عدلیه اعظم اعلام شد و فقط تا شهریور همان سال به محاکم فرصت داد که وکیل رسمی یا موقت که از سوی اصحاب دعوا محاکم معرفی می‌شود، بپذیرند و از آن تاریخ فقط اشخاصی را می‌توان به سمت وکالت در جلسه محاکمه مداخله داد که دارای جواز مخصوص باشند.

بسیار دیده شده است که لوایح و استدلال‌های متداعیین غیرحرفه‌ای اکثراً مفصل و دارای حشو زاید و غیر مستند به دلایل ضروری و پرونده این‌گونه افراد دارای نقص بسیاری است که علاوه بر تضییع حق خواهان، موجب گنجی یا زحمت و تطویل کار دادگاه و باعث نارضایی مردم از دادگاه‌ها و قضات می‌گردد. از طرف دیگر قاضی نیز به دلیل آن که حق ندارد طرفین دعوا را، حتی اگر چه در دعوی ذی‌حق باشند، تلقین یا راهنمایی کند در مواردی که گذشت، امکان کمک و مساعدت ندارد ولو آن که عجز احد متداعیین را در بیان حق ببیند.

در جرایم که لزوماً دادستان یک طرف قضیه است و با ابزار حقوق و قانون و تجربه به مقابله با متهم که مجرمیت او معلوم نیست، می‌آید و دادگاه نیز به جهت رعایت بی‌طرفی حق کمک به متهم را ندارد، لزوم شرکت یک شخص با تجربه به وکالت از متهم ضرورت بیش‌تری دارد. زیرا متهم معمولاً در کار قضائی بی‌تجربه است و عدالت اقتضا می‌کند که از طرف متهم نیز یک

آشنای به قانون با حق دفاع از وی حضور داشته باشد، به ویژه که این متهم است که اگر محکوم شود، مجازات می‌شود.

در مقابل وکلای دادگستری صاحبان حق هستند و بر طبق اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق دفاع از امنیت و مصونیت شغلی خود را دارند. از سوی دیگر حرفه وکالت در همه کشورهای پیشرفته، پاسخ‌گوی یکی از مهم‌ترین نیازهای شهروندان یعنی دفاع از جان، مال، آزادی و حفظ حقوق مردم در دعاوی مدنی و کیفری است. به ویژه از هنگامی که حقوق مردم در کشورهایی چون انگلستان و آمریکا به رسمیت شناخته شد و نخستین اعلامیه تفصیلی حقوق بشر در اوت سال ۱۷۸۹ از سوی مجمع نمایندگان مردم فرانسه صادر گردید، دفاع موثر از این حقوق در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت و ضرورت حضور وکلای دادگستری را در دادرسی‌ها به نمایندگی از اصحاب دعوی و دفاع از حقوق متهمان در مرحله پی‌گردد و دادرسی روز به روز تقویت کرد. پشتیبانی از حقوق مردم به ویژه در مواردی که مقامات دولتی و دستگاه دادگستری در مقام تجاوز به جان و مال و آزادی شهروندان برمی‌آیند مورد نیاز بیش‌تر دادخواهان است و در این شرایط تنها وکلای دادگستری هستند که با داشتن استقلال و با تکیه بر دانش و تجربه و وجدان خود به کمک مردم می‌شتابند.^۱

حرفه‌ی وکالت جزء استثنايي‌ترین مشاغل آزاد است که تحت ضابطه‌ی دقیق قانونی قرار دارد. وکیل دادگستری باید از نظامات مربوط به حرفه وکالت کاملاً آگاه باشد تا بتواند به تمام معنی و به نحو مفید و شایسته به شغل وکالت ادامه دهد. وکلای دادگستری از قدیم الایام افتخار دارند که هم‌واره برای تکمیل شرافت حرفه خود حداکثر کوشش را بنمایند. شغل وکالت را یک خدمت روحانی دانسته تا حد قهرمانی بر اعتبار آن افزوده‌اند و از این رو همیشه این افتخار را داشته‌اند که نه تنها مردانی آزاد باشند بل که آزادترین مردان بمانند و این کلمه آزادی که از زبان آن‌ها شنیده می‌شود معنی حقیقی خود را می‌رساند.

در خصوص مسئولیت وکیل دادگستری، کلیات شغل وکالت، مراجع انتظامی و آیین رسیدگی به تخلفات انتظامی، پژوهش‌های مختلفی در قالب مقاله و پایان‌نامه و تحقیقات و گزارش‌های علمی انجام شده است. اما تاکنون کتابی جامع در رابطه با مسئولیت انتظامی وکیل دادگستری و نحوه رسیدگی به این تخلفات تالیف نشده تا وکلای محترم دادگستری با مراجعه به آن به مبهمات ذهنی خود پاسخ دهند و این است که ناخودآگاه درگیر تخلفات انتظامی

۱. کاشانی، دکتر سیدمحمود، (وکیل پایه یک دادگستری)، استقلال کانون وکلای دادگستری و دست آورد وکلای

می‌شوند. بنابراین به جهت اهمیت آثار و پیامدهای نگران کننده تخلفات وکیل دادگستری و تاثیرات مخربشان بر روند رسیدگی محاکم قضایی از یک سو و سلب اطمینان و اعتماد مردم از وکلاء از دیگر سو و هم‌چنین بررسی جنبه‌های گوناگون تخلفات انتظامی و ضمانت اجرای آن ضروری به نظر رسید که نگارش اثر حاضر پاسخی مختصر به نیازی مبرم است.

از اولین سال انتشار کتاب نظارت انتظامی کانون وکلای دادگستری، حدود ۱۰ سال می‌گذرد، آن زمان که شروع به تدوین مجموعه حاضر نمودم آن چه مرا یاری نمود صرفاً یافته‌های علمی و غور در آثار و مقالات موجود و مطالعات حقوقی و صنفی بود که نهایتاً در این مجموعه گردآوری شد و تقدیم همکاران شریف و جامعه وکالت گردید و اتفاقاً به عنوان مجموعه‌ای کامل مورد استقبال قرار گرفت.

اما پس از آن و با استقلال کانون سرافراز البرز و شروع دومین دوره هیئت مدیره، حقیر توفیق خدمت در دادسرای انتظامی آن کانون را یافتم و در دوره بعد از آن نیز به عنوان قاضی شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلاء دادگستری البرز قبول خدمت نمودم، طی این دوران بر یافته‌های عملی‌ام آن چنان افزود که در نگاهم به مسائل انتظامی تغییر شگرفی ایجاد شد، اما هر وقت تصمیم گرفتم متون این اثر را با یافته‌های عملی درآمیزم، بیم تصویب «لایحه جامع وکالت» و بلا تکلیفی ناشی از چرخش این لایحه در بین سه نهاد دولت و مجلس و قوه قضاییه، شوق شروع به اصلاحات را از حقیر سلب می‌نمود تا این که خروج بررسی لایحه در دستور کار قرار گرفت تا شاهد بررسی و تغییر در قوانین پیشین وکالت باشیم.

بعد از توفیق خدمت در شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری البرز و مجالست با یار دیرین و رفیق شفیقم جناب آقای آرش ذوالفقار (ریاست وقت آن شعبه) فرصت ممارست مجدد آنچه تاکنون فقط نوشته بودم، نصیبم گردید و باعث شد تا باری دیگر قوانین و مقررات خاص وکالت را بیاموزم و با استفاده از رهنمودهای مشفقانه و دلسوزانه این استاد ارجمند، خود را بیازمایم و با این توفیق شوق اصلاح اثر حاضر رو به تزاید گذاشت و باری تعالی توفیق را رفیق راه ساخت تا بتوانم آن چه قبلاً با شیوه علمی صرف گردآوری کرده بودم به سلاح عمل بیاریم و بار دیگر تقدیم جامعه وکالت نمایم، شکی نیست هیچ اثری را نمی‌توان خالی از عیب و نقص یافت، اما چشم امید به راهنمایی‌های مشفقانه همکاران و خوانندگان این اثر دوخته‌ام تا با انعکاس کاستی‌های مجموعه حاضر بنده را در اصلاح مجدد آن یاری رسانند.

دیرزمانی بود که مشتاق موافقت مسئولان کانون وکلای دادگستری البرز در انتشار آراء انتظامی صادره در مراجعه دادسرا و دادگاه انتظامی آن کانون محترم بودم که تا شروع دوره پنجم هیئت

مدیره آن چنان توفیقی نیافتیم لکن با جلب اعتمادی که در این دوره حاصل گردید اعضاء محترم هیئت مدیره و خصوصاً ریاست محترم وقت استاد «دکتر حسین تفویضی» منت نهاده و موافقت خویش را در انتشار آراء صادره با حفظ محرمانگی اعلام و این جانب با همکاری نهادهای انتظامی کانون وکلای دادگستری البرز نهایتاً موفق به تدوین این مجموعه گردیدیم.

مجموعه حاضر نه تنها اصلاح و بروز رسانی مجموعه قبلی با نام «نظارت انتظامی بر رفتار قضات دادگستری» بود که با همه بیم و امیدهای موجود در ابتدای سال ۱۳۹۶ به زیور طبع آراسته و به جامعه حقوقی تقدیم گردیده است، بلکه علاوه بر بیان مقررات و آیین و تشریفات دادرسی به تبیین آراء انتظامی با عنوان «رویه قضایی» ذیل هر مبحث سعی در بیان مطلب و تفهیم مسائل برای نوآموزان وکالت گردیده است البته لازم است به این مهم نیز اشاره گردد که در قسمت بیان رویه قضایی آن چه آورده شده است الزاماً نظر نویسندگان این اثر نیست و صرفاً به بیان متن رای پرداخته ولو آن که در عمل و نتیجه با صادر کننده رای هم عقیده نباشیم.

در مجموعه حاضر با وجود توفیق خدمت انتظامی در بدنه دادرسی و دادگاه انتظامی سعی شده است تا مفاهیم و مبانی صدور آرای که در طول یک دهه، مبنای صدور رای قرار گرفته است تبیین گردد که خود می‌تواند راهگشای نگرش انتظامی در آن کانون و سایر کانونها باشد.

در این جا بر خود فرض می‌دانم از زحمات تمامی دادستانها، دادیاران، دادرسان و قضات شریف محاکم انتظامی کانون وکلای دادگستری البرز که در طول یک دهه فعالیت در حوزه انتظامی خوش درخشیده و منشاء خیر و برکت در حفظ شئون وکالت بوده‌اند تشکر و قدردانی نموده و خود را همواره مدیون راهنمایی‌های استادانه این عزیزان می‌دانم و ترس آن دارم تا عزیزی را از قلم انداخته و حق مطلب را اداء ننمایم وگرنه حاضر از تک تک این ارجمندان با ذکر نام قدردانی نمایم که وقت خود را فدای تعالی این کانون همیشه سرافراز نموده‌اند.

آن چه پیش رو دارید بیان رویه قضایی انتظامی است که حاصل قلم فرسایی قضات شریف مراجع انتظامی کانون وکلای دادگستری البرز از بدو تشکیل تا پایان سال ۱۳۹۸ است و یقین دارم آن چه از مطالعه این آراء حاصل خواهد شد، جز یقین به تدبیر مدبرانه این دوستان نخواهد بود، البته به جهت تلطیف مباحث قبل از ورود به هر عنوان تخلف، کوشیده‌ایم مقدمه‌ای در خصوص بیان مطلب و عنوان عنصر قانونی و مادی تخلف آورده و پس از آن به بررسی رویه قضایی انتظامی بپردازیم و سعی کرده‌ایم تا با جمع آوری آراء پرمغز و استدلالی در خصوص هر مبحث خواننده را به عمق مطلب آگاه سازیم هر چند در برخی آراء نظرات متفاوت و متهافت دیده می‌شود که البته به غنای مجموعه خواهد افزود، ولی ذکر این مطلب ضروری است که

استدلالات ذکر شده در متن آراء منتشر شده الزاماً عقیده نویسنده نیست چه بسا با برخی آراء از لحاظ نتیجه مخالفت‌هایی نیز وجود داشته باشد لکن هوده این نوع تدوین، آشنایی خواننده با رویه متفاوت و غالب انتظامی در این کانون وزین خواهد بود.

شکی نیست حفظ شرافت جامعه و کالت، بعنوان گوهر زرین این شغل، امید و آروزی همه دست اندرکاران محاکم انتظامی است و از دیرباز شنیده‌ایم که «حفظ حرمت امامزاده با متولی آن است»، اما متأسفانه وجود و ظهور وکیل نمایانی در این جامعه شریف، که به نام وکیل دادگستری، موفق به اخذ پروانه و کالت می‌شوند، بزرگترین مخاطره این شغل است که باید بدان توجه جدی نمود. مهمترین ویژگی قضات محاکم انتظامی نسبت به سایر قضات این است که از بین همکاران خود گزینش شده و برای آنان قضاوت می‌نمایند که البته نباید فراموش کرد که با درایت تمام در پی آنند که شرافت این شغل را حفظ نمایند. این ماییم که باید توجه داشته باشیم که مبادا روزی «شرافت» شغلیمان «شر» و «آفت» انسانیت‌مان گردد و فراموش نکنیم که حکمت وزیدن باد، رقصاندن شاخه‌ها نیست، امتحان ریشه‌هاست.

والعاقبه للمتقين

مجتبی باری - زمستان ۹۹

avabook.com



بخش اول

حرفه وکالت و مسئولیت‌های
ناشی از آن

فصل اول

مصونیت وکیل دادگستری و لزوم رعایت احترام

مصونیت در لغت به معنای مصون ماندن و محفوظ بودن است.^۱ در اصطلاح مصونیت وضع مخصوصی است که دارنده آن از تعرض مخصوصی معاف و محفوظ است.^۲ به موجب اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» یکی از حقوق متهمان در تمام مراحل رسیدگی حق تعیین و دست‌رسی به وکیل است، محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی‌عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آن‌ها فراهم آورند.^۳ به موجب تبصره ۳ ماده واحده قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام «وکیل در موضع دفاع از احترام و تامین شغل قضا برخوردار است.» البته منظور مقنن مصونیت از تعقیب کیفری و لزوم کسب مجوز از کانون وکلاء است.^۴

^۱ معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد سوم، ص ۴۱۸۱.

^۲ جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، همان منبع، ص ۶۵۷.

^۳ بند سوم ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵.

^۴ باری، مجتبی، آیین دادرسی کیفری، کتاب اول، انتشارات میثاق عدالت، چاپ اول، سال ۱۳۸۷، ص ۵۱.

مصونیت قضایی وکیل به این معنی است که وکیل از پاره‌ای قواعد و مقررات کلی و عمومی و جاری کشور معاف باشد، برای مثال در صورتی که به مناسبت انجام وکالت ضرری را به اشخاص، از جمله موکل وارد کند، بر خلاف قواعد کلی مسئولیت مدنی مسئول جبران آن نباشد.^۱

به موجب ماده ۶۹ لایحه پیشنهادی قانون جامع وکالت دادگستری «وکیل در مقام انجام وظیفه وکالتی و دفاع، از همان احترام و شأن قاضی برخوردار است. مراجع قضائی و شبه قضائی و اداری مکلفند در صورت مراجعه وکیل، مطابق شئون حرفه‌ای وکالت با وی رفتار کنند. متخلف از این امر توسط دادگاه به سه تا شش ماه انفصال از خدمت محکوم می‌شود. در صورتی که مقام قضائی مرتکب این امر شود، دادگاه انتظامی قضاات او را به یک درجه تنزل رتبه شغلی محکوم می‌کند.»

و به موجب ماده ۷۰ همان لایحه «هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا به محرومیت از اشتغال به وکالت محکوم کرد، مگر به موجب رأی قطعی مراجع صالح مطابق این قانون.»

بر اساس ماده ۹ منشور حقوق شهروندی دولت (مصوب آذر ۱۳۹۵) حیثیت و اعتبار شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شخص، مقام یا رسانه ای به ویژه آنهایی که از بودجه و امکانات عمومی استفاده می‌کنند نباید با رفتار یا بیان اهانت آمیز نظیر هجو و افترا، حتی از طریق نقل قول، به اعتبار و حیثیت دیگران لطمه وارد کند. همچنین در ماده ۵۷ آن منشور می‌خوانیم اصل بر برائت است و هیچ کس مجرم شناخته نمی‌شود مگر این که اتهام او در دادگاههای صالح و با رعایت اصول دادرسی عادلانه از جمله اصل قانونی بودن جرم و مجازات، استقلال و بی طرفی مرجع قضایی و قضاات، حق دفاع، شخصی بودن مسئولیت جزایی، رسیدگی در مدت زمان معقول و بدون اطلاع دادرسی و با حضور وکیل، اثبات شود. احکام باید مستدل و مستند به قوانین و اصول مربوط صادر شود.

ماده ۵۸ منشور مآلذکر مقرر می‌دارد «حق شهروندان است که از بدو تا ختم فرایند دادرسی در مراجع قضایی، انتظامی و اداری به صورت آزادانه وکیل انتخاب نمایند. اگر افراد توانایی انتخاب وکیل در مراجع قضایی را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود. در راستای استیفای خدشه ناپذیر حق دفاع، از استقلال حرفه ای وکلا حمایت خواهد شد. و بالاخره در ماده ۶۳ آن منشور آمده است حق شهروندان است که از تمامی حقوق دادخواهی خود از جمله اطلاع از نوع و علت اتهام و مستندات قانونی آن و انتخاب وکیل آگاهی داشته باشند و از فرصت مناسب برای ارائه شکایت یا دفاعیات خود، ثبت دقیق مطالب ارائه شده در همه مراحل دادرسی، نگهداری در بازداشت گاهها یا زندانهای قانونی و اطلاع خانواده از بازداشت بهره مند شوند.

^۱ جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، همان منبع، ش ۵۲۵۵.

رئیس قوه قضائیه در خصوص رعایت احترام وکلای دادگستری در محاکم طی بخش‌نامه شماره ۱/۷۸/۸۶۹۱ مورخ سال ۱۳۷۸ مقرر داشته «به منظور نظارت مستمر بر حسن جریان امور دادگستری‌ها و سازمان قضایی نیروهای مسلح در استان‌ها، اصلاح و بهبود روش‌ها، تسریع در اجرای وظایف محوله، جلب رضای مراجعان به واحدهای قضایی و مقرر می‌دارد: ... نظر به این که حفظ احترام وکلای دادگستری که در جهت ایجاد زمینه برای احقاق حق و اجرای عدالت فعالیت می‌نمایند لازم است، لذا بدین وسیله توجه عموم قضات محترم به این موضوع جلب می‌گردد که نسبت به رعایت شئون وکلای دادگستری اهتمام ورزیده به طوری که در هنگام مراجعه به مراجع قضایی و انجام وظایف قانونی خود از احتراماتی که متناسب با شغل آنان می‌باشد برخوردار گردند. بدیهی است چنان‌چه وکیلی از حدود متعارف وکالت خارج شود بایستی مراتب را با ذکر مورد مستنداً به مرجع ذی‌ربط انعکاس دهند.»^۱

انجمن آزاد وکلای دادگستری طی نامه‌ای به هیات مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز در خصوص بازداشت و محاکمه وکلای دادگستری عنوان نموده‌اند: «همان‌طور که کلیه هم‌کاران آگاه هستند نهاد وکالت ابتدا در دادگستری نوین و از درون تاسیسی در قوه قضائیه یا عدلیه آن روزگار بر آمد و سبب بروز آن تامین عدالت برای طرفین دعوی و تعیین مشاور یا مدافع برای اشخاص و مردم ناآشنا به قوانین پیچیده به خصوص در زمینه آئین‌های رسیدگی و داوری بود. این نهاد نوپا ابتدا جزئی از احصائیه وزارت عدلیه بود و سپس با تلاش عده‌ای از حقوق‌دانان آن زمان تشکیلاتی به نام کانون وکلاء به صورت وابسته به دادگستری تاسیس شد و سرانجام با درک ضرورت استقلال و آزادی وکیل مدافع در امر دفاع، لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری به تصویب رسید که تا به امروز به همت و پای‌مردی وکلاء و هیات‌های مدیره کانون، استقلال این نهاد حفظ گردیده و به عنوان گوهر اصلی و جان‌مایه کانون وکلاء هم‌واره مورد احترام و تکریم عموم وکلای دادگستری قرار گرفته است. این‌که چرا وکیل دادگستری باید در امر دفاع مستقل و آزاد باشد نیازی به بازگویی برای اعضای محترم هیات مدیره ندارد؛ ولی طرح

۱. قهرمانی، نصرالله و یوسفی محله ابراهیم، مجموعه کامل مقررات وکالت، انتشارات مجد، چاپ دوم، ص ۱۷۱. در همین زمینه می‌توان به بخش‌نامه وزارت دادگستری به محاکم راجع به لزوم رعایت احترام به وکلاء نیز اشاره نمود که مقرر داشته: «پیرو بخش‌نامه ۳۵۸۳/۲۸۵۳۴-۱۳۳۶/۱۱/۷ راجع به لزوم رعایت احترام به وکلاء دادگستری نظر به این‌که مجدداً اطلاع رسیده است که بعضی از قضات دادگاه‌های تابعه وزارت دادگستری رعایت احترام و نزاکت را نسبت به وکلاء دادگستری ننموده‌اند، لذا لازم است به کلیه قضات تابعه خودتان خاطر نشان نمایید که رعایت احترام و نزاکت را نسبت به وکلاء دادگستری در موقع مراجعه به مراجع قضایی به عمل آورند و هرگاه اعمال خلاف رویه از وکلاء مشاهده نمودند فوراً گزارش دهند تا بر طبق قانون اقدام به عمل آید. (قهرمانی، نصرالله و یوسفی محله ابراهیم، همان منبع، ص ۱۴۳ و ۱۴۴)

این مسئله که چگونه باید استقلال و آزادی وکلاء دادگستری را در مراحل دفاع از موکلینشان مورد حمایت قرار داد و با طرح راه کارهای قانونی و پی گیری مصرا نه مانع از تعقیب آن ها در حین انجام وظیفه وکالتی گردیده نیاز به بازگویی هر چند مکرر دارد و به همین لحاظ انجمن آزاد وکلای دادگستری ایران از هیات مدیره محترم کانون درخواست می نماید با عنایت به مطالب ذیل تصمیمات و اقدامات شایسته اتخاذ و مبذول فرمایند.

۱ - اصل ۳۵ قانون اساسی بر حق بنیادی و بدون قید و شرط انتخاب وکیل برای کلیه شهروندان تاکید دارد. متاسفانه در سال های اخیر عده ای از وکلای دادگستری که به دفاع از آسیب پذیرترین اقشار و از جمله متهمان سیاسی پرداخته اند خود نیز به سبب دفاع و اظهار نظر بعدی راجع به نحوه داوری ها، اتهامات مشابه موکلینشان مورد تعقیب قرار گرفته اند و بعضاً محکوم شده اند. به نحوی که امروزه با افزایش بی سابقه این گونه اتهامات و محکومیت ها برای وکلاء رو به رو هستیم. با وجود این آن چه که بیش از همه باعث نگرانی است صدور احکام غیر قانونی محرومیت از شغل وکالت برای تعدادی از وکلاء برخلاف مفاد ماده ۱۷ لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء است. هر چند هیات مدیره محترم کانون وکلاء تاکنون در نامه های سرگشاده به ریاست قوه قضائیه به صدور چنین احکام مخالف قانون علیه وکلای دادگستری اعتراض نموده است مع هذا به نظر می رسد که نادیده گرفتن این هشدارها و اعتراض ها از سوی مقامات مسئول قوه قضائیه، به کارگیری راه کارهای دیگری را در این زمینه طلب می کند که گزینش و اجرای چنین راه کارهایی را عموم وکلاء به هیات مدیره محترم کانون به عنوان مظهر خرد جمعی وکلاء تفویض نموده است.

۲ - اظهار نظر وکلاء نسبت به قوانین و کاستی های موجود در شیوه رسیدگی عادلانه و یا انتقاد از محرومیت موکلینشان از برخورداری از حقوق مندرج در قانون و میثاق های بین المللی مورد تصویب جمهوری اسلامی ایران، از جمله وظایف حرفه ای آن ها است. چگونه می توان به عنوان حقوق دان و وکیل، تابع قانون بود ولی از حق قانونی انتقاد نسبت به قانون و نحوه اجرای آن محروم بود؟ و یا به خاطر انتقادات کارشناسانه از قوانین در راستای دفاع از حقوق شهروندان به اتهام ارتکاب جرائم عمومی و یا سیاسی تحت تعقیب قرار گرفت؟ انتقاد و اظهار نظر وکلاء نسبت به قوانین و رعایت تشریفات رسیدگی عادلانه، بخشی از ذات و سرشت حرفه وکالت به حساب می آید تا آن جا که مقامات دادگستری استان تهران در اطلاعیه مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۴ خود نیز وکلاء دادگستری را به نقد قوانین و برخورد با موارد نقض حقوق شهروندی و آزادی های مشروع شهروندان، ترغیب و تشویق نموده اند. بنابراین آن چه که وکیل، در دفاع از موکل خود در